



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عزیز ما صاب  
الربما

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



امام حسین علیه السلام  
و اسلام آزادی بخش

سوران کردستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام حسین علیه السلام و اسلام آزادی بخش

نویسنده:

سوران کردستانی

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	امام حسین(ع) و اسلام آزادی بخش
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۱۳	افراط و تفریط از منظر امام حسین
۱۴	استقامت در برابر ظلم و قیام برای استقرار عدالت از منظر امام حسین
۱۸	نتیجه
۲۳	درباره مرکز

نوع: مقاله

پدیدآور: کردستانی، سوران

عنوان و شرح مسئولیت: امام حسین و اسلام آزادی بخش [منبع الکترونیکی] / سوران کردستانی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۶ بایگانی: ۴۰.۵KB)

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم

### مقدمه

متعادل ترین صادق ترین و اصولی ترین قرائت از آیین ابدی و جهان شمول را باید در اسلام و سیره پیامبر و منادی این دین جست و جو نمود و چنان که اشاره شد، این یگانه قرائت متعادل و صادق از آموزه های قرآنی را می توان در اصول زیر که اصول مشترک میان فریقین اسلامی است خلاصه نمود: ۱ توحید یا ایمان به یگانگی آفریدگار جهان ۲ نبوت یا ایمان به رسالت حضرت محمد (ص) و پذیرش دین آسمانی و کامل و جاودانه اسلام ۳ معاد یا ایمان به روز رستاخیز و حشر عظمی و قیام قیامت اما تفصیل این سه اصل اساسی و کلی در هیئت شش اصل یا رکن موسوم به «اصول یا ارکان اصلی دین، مورد پذیرش مسلمانان اهل سنت و جماعت قرار گرفته است این اصول بنابه فرموده پیامبر (ص) عبارتند از: «الایمان ان تؤمن بالله و مَلِئِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَ شَرِّهِ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى ارکان ایمان شش اصل است و آن عبارتند از: ایمان به «ذات و صفات خدا»؛ «ملائکه»؛ «کتاب های آسمانی»؛ «پیامبران الهی»؛ «رستاخیز» و «قضا و قدر الهی اعم از خیر یا شر».

نیز اصول اساسی و بنیادی دین در قالب پنج اصل زیر، موسوم به «اصول دین مورد پذیرش مسلمانان اهل تشیع قرار گرفته است ۱ توحید؛

۲ نبوت ۳ معاد؛ ۴ عدل ۵ امامت که البته دو اصل «عدل و امامت» اصول مذهب نیز گفته می شود. البته مفهوم اساسی «عدل که به عنوان یک اصل مستقل در اصول مذهب اهل تشیع وارد شده در نزد اهل سنت نیز مورد قبول است و «عدالت خداوند» مورد اتفاق تمامی مسلمانان جهان می باشد؛ منتها نکات ظریف و عمقی تری در این بحث وارد شده که شرح و بسط آن از حوصله این مقال خارج است اما آنچه نگارنده را به ذکر مقدمه فوق واداشته این است که اصول اساسی و اصلی و مورد اتفاق همه مسلمانان اعم از اهل سنت و اهل تشیع همان سه اصل مشترک «توحید» و «نبوت و «معاد» است به دیگر سخن هر گاه مؤمنی این سه اصل را پذیرفته باشد، قطعاً به دین اسلام در آمده و وارد در ساحت مقدّس اسلامیت است و در زمره امت واحده اسلامی به شمار می رود و منکر این حقیقت به یقین به کژراهه گراییده و به خطا رفته است حال وقت آن رسیده است که اعتقادهای حضرت امام حسین (ع) - نور چشمی پیامبر عزیز اسلام (ص) - را بررسی کنیم و اندیشه و عمل ایشان را با این اصول مشترک و متفق علیه که ذکر آن گذشت بسنجیم تا روشن شود که ایشان چگونه می اندیشید؟ و آموزه های قرآنی را چگونه دریافته و چرا قیام کرده است و مخالفانش چه کسانی بوده اند؟ و چرا علیه ایشان به محاصمه و مبارزه پرداخته اند؟ و مهم تر از همه

ما و نسل های آینده چگونه باید درباره اندیشه و عمل ایشان قضاوت کنیم و چرا لازم است که اساساً به این بحث بپردازیم و سرانجام از نظر این حقیر نگارنده این نکته حائز اهمیت است که در این جا روشن شود: چرا نیاکان ما مسلمانان شافعی مذهب امام حسین (ع) را دوست می داشته اند و چگونه است که ما نسل کنونی نیز، ایشان را دوست می داریم و آن بزرگوار را به عنوان یک تن از «پنج تن آل عبا» و عضوی از خاندان اهل بیت رضی الله عنهم اجمعین که روزانه حداقل هفده بار در نمازهای یومیه خویش بر ایشان درود می فرستیم حقانیت نهضت وی را تأیید می کنیم اما برای دست یابی به عمق اندیشه های پاک امام حسین (ع)، چه راهی بهتر و راست تر و صادق تر از مراجعه به کلام خود ایشان می توان تصور نمود؟ هم از این رو، نخست نامه حاکی از وصیت ایشان به برادرش «محمد بن حنفیه را، بررسی می کنیم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ هَذَا مَا اَوْصٰی بِهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ اَخَاهُ مُحَمَّدًا الْمَعْرُوفَ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ؛... اِنِّي مَا خَرَجْتُ مِاشِرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا. اِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الصِّلَاحِ فِي اُمَّه جَدِّي اُرِيدُ اَنْ اَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اَسِيرَ بِسِيْرِهِ جَدِّي وَ اَبِي عَلِيٍّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ..؛ بسم الله الرحمن الرحيم این وصیتی است که حسین بن علی بن ابی طالب به برادرش محمد معروف به «محمد بن حنفیه می نماید: حسین شهادت می دهد به این که هیچ معبودی جز خداوند یگانه وجود ندارد و اوست که یکتا و بی شریک است



و نیز شهادت می دهد که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست و از سوی حق و برحق آمده است هم چنین شهادت می دهد که بهشت و دوزخ حق است و آمدن روز قیامت قطعی است و تردیدی در آن نیست و خداوند همه مردگان را زنده خواهد کرد و من حسین بن علی نه برای برپا کردن شر و فساد و اخلال گری برخاسته ام و نه برای افساد و ستم کاری جز این نیست که قیام کرده ام برای اصلاح امت جدم محمد (ص) و می خواهم به فریضه امر به معروف و نهی از گناهکاری ها مبادرت ورزم و باروش جدّ و پدرم علی بن ابی طالب در میان مردم رفتار کنم پس هر کس مرا بر مبنای حق بپذیرد، خداست که سزاوار حق است و هر کس این حرکت و قیام مرا نپذیرد، من تحمیل خواهم کرد تا خداوند میان من و این قوم حکم کند و او بهترین حاکمان است ای برادر! این است وصیت من به تو، و برای من توفیقی جز از سوی خداوند نیست. بررسی محتوی و مضمون نامه فوق الذکر، نشان می دهد که حضرت حسین بن علی (ع) به حقایقی چند اشاره نموده و هر آینه براساس مقده ای که در آغاز این بخش مذکور گردید، ایشان به اصول دین اسلام اقرار فرموده اند؛ و اینک آن موارد: ۱- شهادت به یگانگی خدا؛ ۲- شهادت به نبوت پیامبر اکرم (ص)؛ ۳- شهادت به معاد؛ تا این جا بر اساس اصول مشترک متفق علیه میان فریقین اسلامی آن بزرگوار به اصول دین اقرار فرموده اند و لذا به عنوان یک مسلمان از حقوق اسلامی برخوردار می گردند. این حقوق

عبارتست از: حق حیات حق اختیار و انتخاب مصون بودن از تعرض به جان و مال و ناموس و حریم زندگی حق انتخاب محل زندگی حق ابراز عقیده در محدوده شرع و نیز دیگر حقوقی که آیین حیات بخش اسلام برای انسان ها و به ویژه مؤمنان و خاصه مسلمانان روا دانسته است نیز امام حسین در بخش دیگری از وصیت نامه خود به فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره فرموده اند که در واقع عصاره اصول دین و نتیجه عملی اعتقاد به «توحید» و «نبوت» و «معاد» است و البته که همه مسلمانان در این عقیده متفقند و مبارزه با آثار شرک و بت پرستی و جهل و نادانی را بر خویش واجب می دانند. تا این جا، آن امام بزرگوار سخنانی فرموده اند که ابداً منافاتی با مجموعه عقاید اسلامی در نزد عموم مسلمانان ندارد. اما در بخش دیگر از نامه امام عباراتی بدین مضمون آمده است که «می خواهم باروش جدم و پدرم در میان مسلمانان رفتار کنم . آری همین نکته مهم است که ایشان رابه روی گرداندن از بیعت با یزید و مخالفت و قیام در برابر او وا داشته است زیرا ایشان شیوه حکومت خلیفه وقت را اصولی و صحیح نمی دانسته و آن را مطابق با سنت و سیره پیامبر (ص) نیافته است .. نکته دیگر که در سخنان امام حسین (ع) تجلی یافته است همانا حق طلبی و حق جویی و عدالت گرایی ایشان است به دیگر سخن آن امام مجاهد، ملاک و مدار شیوه زندگی را حق و عدالت می دانند که صد البته این

نکته پُر اهمیتی است زیرا اساساً اسلام حق گراترین و باطل گریزترین ادیان الهی است و کامل بودن و ابدی ماندنش نیز از همین ویژگی سرچشمه می گیرد. و گرنه دینی که با در گذشت آوردنده اش به انحراف گراید و کسی را یارای مخالفت و انتقاد از آن نباشد، آن دین به زودی دست خوش تحریف و انحراف خواهد گردید و مغز و لب اللُّباب آن تهی خواهد شد و تنها پوسته ای از آن برجای خواهد ماند. لذا امام حسین (ع) این حق را داشته است که به عنوان یک مسلمان از تحریف شدن و به انحراف کشیده شدن دینش انتقاد کند. ایشان حدّ اقل به عنوان یک مسلمان این حق را داشته است که در راستای اصلاح دینش قیام کند، یا در صورت مساعد نبودن شرایط اصلاح گری در سرزمینی به سرزمین دیگری مهاجرت نماید، تا شاید برای اقدام به اصلاح دین فرصت دیگری پیش آید. اما امام حسین (ع) در بخشی از وصیت نامه اش به نکته مهم دیگری اشاره نموده اند و آن این است که نکته ای بدین مضمون فرموده اند: «هر گاه کسی این حرکت و قیام مرا نپذیرد، من تحمّل خواهم کرد، تا خداوند میان من و این قوم حکم کند» ... سبحان الله! که این چه نکته ظریفی است و هر کس که این نکته را دریابد، به یقین شیوه درست و رفتار اصولی و اسلامی امام حسین (ع) را در ۱۴۰۰ سال و اندی پیش درک خواهد نمود. و این همان رفتاری است که به روزگار ما به «حقوق اجتماعی انسان ها» تعبیر می گردد و بر اساس

آن هر کس حق دارد عقیده اش را و خاصه عقیده دینی و مذهبی اش را حفظ و ابراز کند و در مقابل او نیز حق ندارد که عقیده اش را بر دیگران تحمیل نماید و در نتیجه جامعه و یا بخشی از جامعه حق ندارد، برای اثبات حقانیت رأی و عقیده اش به زور و ارباب و خشونت و بدرفتاری و ستم کاری متوسل گردد. لذا توجه به این نکته خود نکته ها و دقایق و ظرایف دیگری را در عقیده امام حسین (ع) بر ما آشکار می سازد. ایشان می فرمایند که «من تحمّل خواهم کرد». آیا ایشان چه چیزی را تحمیل می کنند؟ البته عقیده مخالف را؛ عقیده اکثریت را، حتی اگر رأی این اکثریت ناصواب باشد، یا همین اکثریت در جهل و نادانی به سر برند. از سویی ایشان در مواجهه با ستم هرگز تسلیم و رضا را تجویز نمی کنند. آری تحمّل می کنند، اما این تحمیل همراه است با امر به معروف و نهی از منکر. از سوی دیگر، مراد امام حسین (ع) از امر به معروف و نهی از منکر آن نیست که برای اصلاح یک جامعه آلوده به فساد و کژروی باید به اخلاص و افساد روی آورد؛ به هیچ وجه البته مراد ایشان آن است که اصلاح گری در دین شایسته است که از طریق قیام به قسط تحقق یابد، آن هم می بایستی در راستای برقراری عدالت باشد؛ نه آن که به نام اصلاح گری به فساد و اخلاص و ستم کاری مبادرت گردد. به دیگر بیان ظلم با ظلم از بین نمی رود؛ تنها از نوعی به نوعی دیگر تغییر شکل می دهد. یا این که

می توان چنین نتیجه گرفت که ظلم تنها و تنها، با عدالت خواهی و کوشش و قیام و مجاهده در راه برپاداشتن قسط و عدل برقرار می گردد و لا غیر.

### **افراط و تفریط از منظر امام حسین**

انعکاسِ باطل دانستن و برخاستن توکل به شیوه های مبتنی بر افراط و تفریط از دیدگاه حضرت حسین بن علی (ع) را می توان در خطاب آهن بزرگوار به معاویه بن ابوسفیان ردیابی نمود. مورخان آورده اند: هنگامی که معاویه تصمیم گرفت از مردم مدینه به زور و اجبار، برای پسرش یزید بیعت بگیرد، مهاجر و انصار و بزرگان مدینه را در جایی گرد آورد، که در این زمان امام حسین (ع) نیز در میان آنان بودند. آن گاه معاویه برای آنها سخنرانی کرد و اوصاف یزید را برشمرد و بسیار از وی تعریف و تمیجد نمود. سپس از حاضران خواست که با پسرش بیعت کنند. در این هنگام حضرت حسین (ع) به پا خاستند و بیاناتی به این مضمون خطاب به معاویه ایراد فرمودند: «ای معاویه بامداد روشن سیاهی زغال را روشن کرده و روشنایی آفتاب چراغ های کم فروغ را از رونق انداخته است در سخنان از حق به افراط و تفریط گراییدی لذا، تو از اعتدال خارج شدی و به انحراف رفتی شیطان نصیب خود را از سخنان برگرفت آیا می خواهی مردم را درباره فرزندنت یزید بفریبی گویی می خواهی امر پوشیده ای را آشکار و توصیف کنی یا این که می خواهی درباره چیزی که از دیده ها غایب است توضیح دهی یا می خواهی مطلبی را برای عموم روشن سازی که تنها تو از آن خبرداری و کسی درباره

آن موضوع چیزی نمی‌داند. بس است ای یزید! سخن کوتاه کن و لب فرو بند! یزید خود حقیقت خویشتن را که رأی و عقیده اش را اثبات می‌کند، ابراز نموده و منویاتش را فاش ساخته است تو درباره یزید سخنانی بگو که او بر خود گرفته و پذیرفته است و شخصیت و رفتار و عمل او، آن را نشان می‌دهد. او را همان گونه که هست معرفی کن زندگی او در سیاحتِ سگ‌هایی که بر یک دیگر هجوم می‌برند، خلاصه شده است او عُمَرِ خویش را با کنیزکان خواننده و نوازنده در لهو و لعب سپری ساخته است این دعوت را رها کن بس است برای تو و بالِ سنگینی که به گردن گرفته ای یقین بدان که تو خدا را با آن وزر و وبال ملاقات خواهی کرد... سوگند به خدا! که کار تو همواره زدن یا هماهنگ کردن باطل با ظلم و خفه کردن و ستم کاری بر مردم بوده است دیگر مشک‌های خود را پُر کرده ای بس است میان تو و مرگ چیزی جز چشم به هم زدن نمانده است. هم چنانکه از متن فوق الذکر مستفاد می‌گردد، حضرت حسین بن علی (ع) به بطالت و زیان باری و خطر افراط و تفریط اشاره فرموده اند و به طور ضمنی معاویه را از توسل به اصل ویرانگرِ زیاده روی و تندروی و افراط و تفریط گرایبی منع می‌کنند و این عملِ خانمان برانداز را منافی عدل و قسط اسلامی و مغایر با اصول دین اسلام می‌شمارند و مرتکب اعمالِ افراطی را مستوجب عقوبت الهی می‌دانند.

### **استقامت در برابر ظلم و قیام برای استقرار عدالت از منظر امام حسین**

حضرت حسین بن علی (ع) در

نخستین خطبه ای که در مکه ایراد فرموده اند، به مطالب و موضوع های مهمی اشاره داشته اند که در این جا پس از مروری بر این خطبه تاریخی و پرمحتوا، به بررسی اجمالی این موارد می پردازیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ ، خُطِبَ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ - مَخْطَةَ الْقِلَادَةِ عَلَى جَنَدِ الْفَتَاهِ وَ مَا أَوْلَهُنِي إِلَيَّ إِلَّا فِي اشْتِيَاقٍ - يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ - وَ خَيْرٌ لِي مَضْرُوءٌ أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعَهَا عَسَلَانِ - الْفُلُوتِ بَيْنَ - النَّوَاوِيسِ وَ كَرْبَلَا فَيَمْلَأُنَّ - أَكْرَاشًا جُوقًا وَ أَجْرِبَهُ - سَعْبًا، لَا مَحِيصَ عَن يَوْمٍ خُطِبَ بِالْقَلَمِ - يَرْضَى اللَّهُ عَنَّا بِرِضَانَا أَهْلَ - الْعَبِيَّتِ ، نَصِيْرُ عَلِيٍّ بِلَايَتِهِ وَ يُوفِينَا أُجُورَ الصَّابِرِينَ ، لَنْ يَشُدَّ عَنَّا رَسُولٌ - اللَّهُمَّ لِحَمَّتِهِ ، بَلِّغْ هِيَ - مَجْمُوعَهُ لَهُمْ - حَضِيرَهُ الْقُدْسَ تَقَرُّ بِهِمْ - عَيْنُهُ ، وَ تَنْجِزْ بِهِمْ - وَعْدُهُ ، أَلَا - فَمَنْ كَانَ فِيْنَا بِأَذْلًا مُهْجَتَهُ ، وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ ، فَلْيَزَحَلْ - مَعَنَا رَاحِلٌ - مُضِيْبِحًا أَنْشَاءَ اللَّهُ؛ حَمْدٌ وَ سِپَاسٌ بِرَای خِدَاسْتِ كِه أَنْجِه رَا بِخَوَاصِدِ مِي شُودِ ، وَ جِزْ اَو تَكِيه گَاهِ وَ پَشْتِيَانِي نِيَسْتِ وَ دِرُودِ بَرِ پِيَامِرْشِ بَادِ . مَرگِ بَرِ اَوِلَادِ آدَمِ مَانِنْدِ گِرْدَنِ بِنْدِي اَسْتِ كِه بِه دُورِ گِرْدَنِ زَنِ جَوَانِي پِيچِيْدِه شُدِه اَسْتِ اَسْتِيَاقِمِ بَسِيَارِ اَسْتِ بِه دِيْدَنِ نِيَاكَانِ وَ دِرْگِذَشْتِگَانِمِ مَانِنْدِ اَسْتِيَاقِ يَعْقُوبِ بِه دِيْدَنِ يُوْسُفِ اِي اَطْرَافِيَانِ مَنِ بَدَانِيْدِ كِه بَرِایِ مَنِ آرَامْگَاهِي آمَادِه شُدِه اَسْتِ وَ مَنِ آنِ رَا خَوَاصِمِ دِيْدِ ، وَ مِي بِيْنِمِ كِه چِگُونِه خُونِمِ دِرْ كِرْبَلَا رِيخْتِه شُدِه وَ شَكْمِ حَرِيصَانِ سِيْرِ شُدِه وَ جِيْشَانِ پُرْ گِشْتِه اَسْتِ الْبَتَّةِ اَزِ چِنِيْنِ سِرْنُوشْتِي كِه رِضَايِ خُدَا دِرِ آنِ اَسْتِ خَشْنُودِ هَسْتِيْمِ وَ بَرِ هَرِ بِلَايِي كِه دِرِ رَاهِ اَوِ پِيْشِ بِيَايِدِ صَبْرِ مِي كَنِيْمِ وَ دِرِ

جوار رحمت او پاداش استقامت خویش را می یابیم ما پاره تن پیامبریم که به زودی در «حظیره القدس به حضورش می شتاییم و باعث روشنی چشم او می شویم در حالی که رسالت مقدّس را به پیش برده و به مسئولیت سترگمان عمل نموده ایم اینک بدانید و آگاه باشید! کسی که می خواهد نَفَس و جانش را آماده دیدار خداوند سازد، با ما حرکت کند. ما بامدادان حرکت خواهیم کرد. انشاءالله». خطبه یاد شده در بر گیرنده نکته ها و موارد مهمی است که هر یک از آنها، رهنمای صادقی است به اندیشه و عمل حضرت حسین بن علی (ع). به باور این حقیر نگارنده اهم این موارد عبارتند از: ۱- خداوند تنها تکیه گاه و پشتیبان مطمئن و راستین و جاودانه مؤمنان است ۲- مرگ در راه رسیدن به حقیقت عین زنده شدنی دوباره است و چه زنده شدن زیبایی همان گونه که یک گردن بند زینده گردن زنی جوان است مرگ نیز زینده مؤمنان و جویندگان حقیقت است ۳- من از مرگ ترسی ندارم زیرا به نزد ارواح نیاکان و درگذشتگانم باز می گردم و این بازگشتن چقدر برایم خوشایند است از برای آن که من به دیدن آنان اشتیاق فراوانی دارم اشتیاقی همچون شور و شوق و آرزومندی یعقوب به دیدن فرزند دل بندش یوسف.. ۴- من مرگ قریب الوقوع خویش را می بینم و این مرگ به من الهام شده است می بینم که چگونه خونم دشت کربلا را رنگین خواهد نمود، این سرنوشت من است و من به این مقدر و قضای الهی ایمان دارم و



در رسیدن به آن سر از پا نمی شناسم و از تحمل هر گونه رنجی در راه نیل به این سرنوشت محتوم هراسی ندارم و همه شتاید ممکن این راه را به جان خود خواهم خرید...۵؛ - در ازای این استقامت در برابر ظلم آشکاری که بر من و اطرافیان و امت جد من می رود، فقط خشنودی خدای یگانه و مهربان را می طلبم و از کسی انتظار حمایت و تحسین ندارم و پاداش معنوی این جهاد حماسی را از آفریدگار خویش مسئلت می نمایم ۶ - ما اهل بیت پاره تن پیامبریم و دیری نخواهد پایید که به ملاقات روحانی ایشان «حضیره القدس نائل خواهیم گردید و البته موجب خرسندی و مایه شادی روح ایشان خواهیم شد؛ ۷ - مجاهده ما در راه قیام علیه ظلم و امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیتی مقدس و بس سترگ است بر دوش ما؛ که البته به آن عمل می کنیم و سرانجام این حرکت زیبا و انسان ساز و معنویت گستر و اصلاح گر دینی همانا به دیدار معبود رفتن است و ما به اذن خداوند سبحان فردا صبح علی الطلوع حرکت خواهیم کرد... کیست آن که با ما همراه گردد و یاریمان دهد؟... حضرت سید الشهداء حسین بن علی (ع) در جای دیگری از بیاناتشان به مناسبت حادثه جان گداز کربلا، یک بار دیگر، زیر بار ظلم رفتن را دون شأن یک مؤمن مسلمان می داند و مرگ با افتخار را بر زندگی ذلت بار ترجیح می دهند و خطاب به شمشیرزنان اجیر شده آل ابوسفیان واپسین سخنان آگاهی بخش خویش را، این چنین بیان می فرمایند: «وَيُلْكُمْ يَا شَيْعَةَ -

آلِ اِبِي سَيْفِيَانِ - اِنْ هَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ «وَلَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا اٰخِرًا فِي دُنْيَاكُمْ» ای مردمی که خود را به آل ابوسفیان فروخته اید، ای پیروان آل ابوسفیان اگر خدا را نمی شناسید و اگر به قیامت و بازخواست رستاخیز ایمان ندارید، لااقل در این دنیا آزاده باشید!». در همین زمینه در جای دیگر، حضرت اباعبدالله (ع) می فرماید: «قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ، وَ هَيَّيَاتِ - مِّنَّا الذَّلَّةُ سَيْفِيَانِيَانِ وَ پيروان آنها، مرا میان شمشیر و ذلت و خواری قرار داده اند که یکی از آنها، را انتخاب کنم اما هیئات . که دور است از ما قبول ننگ و فرومایگی ما تسلیم پستی و دنائت و سرافکنندگی اطاعت از ظلم و بی عدالتی نخواهیم شد...» .

## نتیجه

آیین جاودانه و کامل و جهان شمول اسلام پانزده قرن است که از افق بشریت طلوع نموده و تاکنون از منظر قرائت ها و برداشت ها و نگرش ها، این آیین دوره های متمایزی را پشت سر نهاده است که مشهورترین نگرش ها عبارتند از: ۱- اسلام محمّیدی یا اسلام ناب و راستین که مطابق است با آموزه های قرآنی و سنت و سیره پیامبر (ص) و روش ائمه اطهار (ع) و خاندان پاک اهل بیت (ع) و بزرگان دین (ع) . پیروان این نگرش که تنها نگرش و قرائت راستین و اصیل از دین اسلام است عبارتند از: اکثریت اهل سنت اعم از حنفی و حنبلی و مالکی و شافعی و علی الخصوص شافعی مذهبان و نیز اکثریت اهل تشیع و به ویژه شیعیان دوازده امامی ۲- اسلام حکومت گرای افراطی اباحی مسلک یا اسلام با نگرش سَیْفِيَانِيَانِ که سلسله جنبان

این دسته معاویه بن ابی سفیان بوده است بخشی از اهل سنت و جماعت پیرو این مسلکند و از معاویه دفاع می کنند و به نام و یاد او مسجد می سازند و وی را خدمت گزار اسلام می دانند؛<sup>۳</sup> اسلام افراطی وهابی مسلک که به جز هم فکران خودشان اکثریت مسلمان را اعم از اهل سنت و اهل تشیع به دلیل دوست داشتن پیامبر (ص) و خاندان و ذریه پاک ایشان رضی الله عنهم ، کافر و مشرک می دانند. پیروان این مسلک عبارتند از: بخشی از مسلمانان تندرو حنبلی مذهب عربستان و جمعی از هم فکرانشان در دیگر کشورهای اسلامی اینان به غلط و از سیر تزویر و عوام فریبی مسلمانان مبارزه و نستوه و اندیشوری همچون «سید جمال الدین و «شیخ محمد عبده و «رشید رضا» و «سید قطب را حامی مسلک خویش معرفی می کنند. برخی از دین پژوهان اهل سنت تاریخ اسلام را به سه دوره هفت ساله تفکیک نموده و هفت قرن اول را «عصر طلایی اسلام و هفت قرن دوم را «عصر رکود اسلام و هفت قرن سوم را «عصر معاصر تاریخ اسلام نامیده اند و جمعی بر همین اساس معتقدند که اسلام ناب و صد در صد مطابق سنت و سیره پیامبر اسلام (ص) ، همان اسلام هفت قرن اول بوده است و لذا آن را «عصر طلایی تمدن اسلام خوانده اند. اما در یکی دو سده اخیر، اندیشورانی در جهان اسلام پا به عرصه وجود نهاده اند که اینان معتقدند: آیین جهان شمول و ابدی اسلام نیاز به

اصلاح‌گری دارد و لازم است که با حفظ اصول بنیادین این دین فروع و احکام آن از طریق افتتاح باب اجتهاد، با شرایط نیازهای روز مطابقت داده شود و قوانین نوینی بر اساس همان اصول لای‌تغیر بنیادین وضع و اجرا شود، تا این دین حنیف و متکامل همواره بتواند به نیازهای نسل‌های پی‌درپی پاسخ‌گو باشد. هم‌از این رو، تنی چند از علمای اهل سنت و اهل تشیع در کشورهای اسلامی این نهضت را آغاز نمودند که تا اکنون نیز هم‌چنان تداوم یافته است و انشاءالله هم‌چنان استمرار خواهد یافت اما هم‌چنان که یاد شد، مسلمانان اهل سنت دوره‌های «پیروی از روش سلف صالح و «بنیادگرایی را پشت سر نهاده‌اند و اکنون به روزگار ما به دوره نوینی گام نهاده‌اند که می‌توان آن را «دوره پس‌بنیادگرایی نامید. از مشخصات این دوره تکامل‌گرا، می‌توان به مواردی چند اشاره نمود: الف تلاش همگانی مسلمانان اعم از اهل سنت و اهل تشیع در راستای ایجاد «وحدت اسلامی و نیز «تقریب مذاهب اسلامی در حول محور قرآن و سنت پیامبر (ص) و سیره و معارف خاندان اهل بیت رضی الله عنهم؛ ب احترام متقابل همه مذاهب و نحله‌ها و فرق اسلامی به یک‌دیگر و پرهیز از مبادرت به هرگونه توهین و تکفیر و ایراد اتهام در قبال هم‌دیگر؛ ج اسوه و سرمشق قرار دادن اندیشه و قیام امام حسین (ع) در زندگی اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی جهت اشاعه روحیه ایثارگری و شهادت‌طلبی و ظلم‌ستیزی و

امر به معروف و نهی از منکر در میان مسلمانان (د) پرهیز از اختلاف های تاریخی فقهی و اجتهادی در میان فریقین اسلامی و اجتناب جدی از شعله ور ساختن خصومت های وحدت شکن و دشمن شادکن میان مسلمانان اهل سنت و اهل تشیع (ه) پرهیز از جزم اندیشی و روی آوردن به نهضت اصلاح طلبی دینی که از امام حسین (ع) آغاز گردیده و تاکنون تداوم داشته است و) اتکای هر چه بیشتر به عقلانیت و اندیشه های دینی فلاسفه مسلمان در راستای بارور نمودن و شکوفا ساختن اندیشه تکامل گرا در فرهنگ و تمدن اسلامی (ز) ترویج اسلام آگاهی بخش در جوامع اسلامی بر اساس اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط در اندیشه و عمل مسلمانان هم چنان که امام حسین (ع) برای مسلمانان جهان پیامی جاودانه دارد و آن این است که اسلام راستین و آگاهی بخش همواره می بایستی از «انحراف و «تحریف و «ابتذال و «افراط و «تفریط محفوظ و مصون بماند. نگارنده این سطور به عنوان مسلمانی شافعی مذهب آرزو دارد که مسلمانان اهل سنت همچون اسلاف صالح و پاک نیت و درست کردار خویش از دامن زدن به نفاق و اختلاف تاریخی میان فریقین اسلامی جداً پرهیزند و جنگ بی سرانجام شیعه و سنی را پایان ببخشند و بر گرد قرآن و سنت پیامبر و معارف معنویت گستر اهل بیت رضی الله عنهم اجمعین و صحابه بزرگوار ایشان رضی الله عنهم اجمعین حلقه بزنند و از این مراجع قدسی خود و جامعه خویش را سیراب و مستفیض

نمایند و بدانند و یقین داشته باشند که برای مبارزه با شرک و بت پرستی هیچ راهی بهتر و اصیل تر و مؤثرتر و شرعی تر از راه امام حسین (ع) متصور نیست و نیز شایسته است مسلمانان همواره سنت اقتدا به سلف صالح را همواره نصب العین خویش قرار دهند؛ راه اسلاف صالحی همانند امام ابوحنیفه و امام احمد حنبل و امام مالک و امام شافعی و دیگر اندیشوران و عالمان والامقام اسلام همان هایی که راه اعتدال پویدند و از افراط و تفریط پرهیز نمودند و متابعت از سنت پیامبر (ص) و سیره و معارف اهل بیت رضی الله عنهم اجمعین ایشان را سرمشق زندگی خویش قرار دادند....

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

